



مجمع النفایس، بیاض-تذکره یادکره‌ای تحقیقی- استادی؛ بررسی نوع‌شناسانه و نوشتاری

الهام زادافشار (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

سعید شفیعیون* (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

محسن محمدی فشارکی (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

چکیده: تذکره مجمع النفایس از مهم‌ترین تألیفات سراج‌الدین علی‌خان آرزو است. دقت و طبع انتقادی نویسنده و احاطه‌ای که به ادب فارسی و شیوه‌های سخنوری دارد و نیز دسترسی‌ای که به منابع اصلی احوالی و آثاری ادبی داشته است، اعم از مصاحبت با صاحب ترجمان و یا مصاحبان آن‌ها، نیز استفاده مستقیمش از دیوان‌ها و آثار ایشان و اتکای هوشمندانه به متون متقن دست‌اول و نقدهای طرزشناسانه و محققانه‌اش به داوری‌های دیگران، این اثر را در صدر تذکره‌های تحقیقی و انتقادی ادبی قرار داده است. بااین‌حال، نظر به صورت ابتدایی آن که بیاض بوده و برخی منتخبات مفصلش از دیوان‌های نادر، نیز اقرار نویسنده به قصد آغازینش، برخی آن را تذکره ندانسته و تا حد بیاض و جنگ فروکاسته اند. اثری که اگر نیاز روز حوزه نقد ادبی و سبک‌شناسی نباشد، دست‌کم منبعی سرشار از آگاهی‌هایی برای بررسی‌های تاریخی در مباحث نقد ادبی و سبک‌شناسی است. شوربختانه تا به امروز از این کتاب، که نسخه‌های متعددی از آن در کتابخانه‌های شبه‌قاره و دیگر جای‌هاست، تصحیح بایسته‌ای به عمل نیامده و همان چاپ ناهمگون و غیرمعتبر قدیمی هم که به کوشش چند

استاد ادبیات پاکستانی فراهم آمده، هیچ‌گاه به‌خوبی در معرض دید و داوری قاطبهٔ محققان این حوزه قرار نگرفته است. براین اساس، در مقالهٔ حاضر، به بررسی نوع‌شناسانهٔ اثر و اثبات ماهیت تذکره‌ای آن پرداخته‌ایم و به‌ضرورت نسخه‌های آن را نیز شناسانده‌ایم تا ضمناً بایستگی تصحیح آن بر مخاطبان اثبات شود.

کلیدواژه: تذکره، مجمع‌النفایس، خان آرزو، انتقادی، بیاض

۱. مقدمه

سراج‌الدین علی‌خان اکبرآبادی گوالیاری (۱۰۹۹-۱۱۶۹ق)، ادیب، لغت‌پژوه، منتقد و شاعر برجستهٔ فارسی‌گوی هندی، ملقب به استعدادخان و خان‌صاحب و متخلص به آرزو (شفیعیون ۱۳۸۹، ص ۸۶)، امروز نامی بسیار آشنا برای مخاطبان جدی ادب پارسی است و در کنار آثار متعددی که از او در شبه‌قاره و ایران به چاپ رسیده، مقالات تحقیقی قابل‌توجهی در شرح احوال و معرفی و توصیف و نقد آثار وی نگاشته شده است (همان، ص ۸۴-۸۶). از آنجاکه آرزو در تمام گونه‌های ادبی، اعم از آثار هنری و تحقیقی، تألیفات متنوعی دارد، بیان فهرست اجمالی از آن‌ها برای اثبات وسعت دانش و همت وی در پیگیری جریان‌های رایج علمی آن دوران و سعی در ارتقای آن‌ها، خالی از فایده نیست. منظور از آثار ادبی اشعار و قطعات ادبی‌ای است که آرزو عمدتاً در تتبع و تقلید استادان سلف نوشته است. تتبع دیوان اثر شیرازی که سی سال قبل از تألیف مجمع‌النفایس (ص ۱۱۶۴-۱۱۵۹ق)، یعنی ۱۱۲۹ که سی سال بیشتر نداشته است، ظاهراً اولین آن‌هاست (آرزو ۱۱۷۸، ص ۲۲۱) و برخی مثل جوابیهٔ دیوان سلیم تهرانی هم برای همیشه ناتمام ماند (همان‌جا) و ظاهراً نسخه‌ای از آن موجود نیست. جز این‌ها مثنویات جداگانه‌ای هم در تقلید از زلالی و ظهوری و دیگران سروده است (شفیعیون ۱۳۸۹، ص ۹۵-۹۷). از قطعات منثور او نیز به تعدادی دیباجه و توصیف و تعریف باید اشاره کرد که تنها برخی از آن‌ها در جنگ‌ها ثبت و ضبط شده است (همان، ص ۹۶). آثار آرزو در بخش تحقیقی بسیار است، به‌گونه‌ای که از آن‌ها می‌توان به وسعت دانش وی در انواع حوزه‌های ادبی، مثل لغت، بلاغت، تاریخ ادبیات، نقد ادبی و جامع همهٔ آن‌ها، یعنی شرح متن، پی برد. هرچند که آثار اخیر وی شاید به‌سبب اهل زبان نبودن، برخلاف انتظار به برجستگی دسته‌های دیگر نیست و این را از مطالعهٔ شکوفه‌زار و خیابان گلستان می‌توان فهمید. بااین‌همه، نسبت به سایر شروح کهن فارسی شبه‌قاره کم‌عیار نیست و از اشاراتش به برخی نسخه‌ها در طی

شرح و اجتهاداتش، نمونه‌ای قابل توجه از تصحیح قدما را می‌توان دید. سراج الوهّاج هم عملاً بیش از آنکه شرح باشد، نوعی نقد و داوری شروح است که در آن روزگار با نام «محاکمات» هم شناخته می‌شده است؛ از آن دسته محاکمات که به داوری شروح شارحان می‌پردازد و نه مانند سراج منیر و داد سخن که به نقد داوری نظرات انتقادی دیگری پردازد.^(۱) سراج منیر نقد اشکالات بلاغی منیر به چهار شاعر برجسته سبک هندی (زلالی، ظهوری، عرفی و طالب) است و رساله داد سخن داوری آرزو بر نقدهای منظوم و مثنوی است که شیدای فتحپوری و منیر لاهوری و الله‌آبادی و ملا صهبایی بر قصیده معروف قدسی مشهدی در منقبت امام هشتم^(۲) به‌طور جداگانه یا در جواب یکدیگر گفته‌اند.

موهبت عظمی، عطیه کبری و مثمر هم تألیفات مستقل بلاغی آرزوست که همه و همه پیش از تذکره مجمع النفایس نگاشته شده‌اند و همین اعتبار برای اثر اخیرالذکر بس که در زمان پختگی و اوج فهم علمی آرزو به نگارش درآمده است، آن‌سان که بسیاری از دقت‌های ذهنی و نظرات انتقادی او به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مجمع النفایس به کار بسته شده است و به تعدادی از این امتیازات، که پیش‌تر در جای دیگر ذکر نشده، هم برای اثبات این سخن و هم برای شواهد، ارزیابی‌های نوع‌شناسی در ادامه مقاله اشاره خواهد شد.

درواقع، جایگاه تذکره بسیار مهم و برجسته مجمع النفایس در میان تذکره‌های ادبی هنوز ناشناخته است. این امر را می‌توان ناشی از این موارد دانست که اولاً، هنوز تصحیح منقحی از این اثر انجام نشده و طبعاً آن چاپ غیرمعتبر و بی‌نمایه و دور از دسترس دودهه پیش شبه‌قاره هم نمی‌تواند چندان به کار آید (شفیعون ۱۳۹۰، ص ۱۸۸-۱۹۲). دوم آنکه با همه تلاش‌های مأجور معاصران، هنوز نوع‌شناسی در ادب فارسی، خاصه تذکره‌ها در مراحل آغازین است، زیرا هم‌چنان از تمام تذکره‌ها چاپ‌های علمی و معتبری در دست نداریم. البته، درخصوص وجه انتقادی این اثر چند مقاله درخور نوشته شده است (نک. فهرست منابع) با این‌همه، هنوز ماهیت این اثر، خاصه به‌سبب داوری نامنصفانه چند اهل نظر، به‌درستی تبیین نشده است. از همین رو، نخستین هدف این مقاله، دستیاب کردن چنین مقصودی است که نیل به آن، بی‌تأمل در نسخه‌های آن و تفاوت‌های محتوایی آن‌ها، که گاه شبیه تحریرهای جدید است و اطلاعات احوالی و شواهد افزون‌تری را شامل است، ممکن نیست. همین امر ضرورت وجودی مبحث نسخه‌شناسی را در این مقاله بیان می‌دارد،

به‌ویژه آنکه نسخه‌های تازه‌یاب ما در این تصحیح تا به امروز، در معرض دید محققان و مصححان قرار نگرفته است.

۲. نوع‌شناسی مجمع‌النفایس و نسبتش با سایر تذکره‌های ادبی

با همهٔ یکدستی نسبی که در تذکره‌ها سراغ داریم و آن‌ها را منابعی می‌شناسیم «که با لحن و نگاهی غالباً ادیبانه به ارائهٔ مرتب شرح حال شاعران حرفه‌ای یا متفَن می‌پردازند و همراه آن نمونه‌ای از آثار ایشان را به نمایش می‌گذارند» (شفیعیون ۱۳۹۳، ص ۸۸)، باید گفت که حسب جایگاه و توجه نویسنده، سطح آن ممکن است بسیار متمایز از اقرانش باشد و این خصیصه افزون‌بر سایر تفاوت‌های محتوایی و شکلی است و همچنان که گونه‌های آمیگی و تلفیقی داریم، تذکره نیز ممکن است با بعضی گونه‌های ادبی و یا نوشتاری ترکیب شود و یا دست‌کم برخی ویژگی‌های غیر از گونهٔ خود را به‌صورت زینتی در خود پذیرا باشد. تذکرهٔ مجمع‌النفایس به‌نظر، یکی از این تذکره‌های آمیگی است و البته از‌نظر ما همچنان تذکره به‌شمار می‌آید و تنها درخصوص این درجهٔ خلوص می‌توان براساس قراین متنی و ساختاری کاوش بیشتری کرد.

این تذکره را براساس معاییر متفاوت دسته‌بندی برای تذکره‌ها (همان، ص ۱۰۴)، می‌توان تذکرهٔ مبسوط عمومی جدی تحقیقی - انتقادی خواند، اما بر سر یکی دیگر از خصائل آن باید بیشتر تأمل کرد و آن مستقل بودن یا ضمنی انگاشتن آن است.

همین ویژگی است که باعث شده برخی از منتقدان، مثل آزاد بلگرامی از متقدمان هم‌وطن او، و گلچین معانی، کار او را تا حد بیاض تقلیل دهند، آن‌سان که آن شبیه نوعی بیاض - تذکره جلوه یافته است (شفیعیون ۱۳۹۳، ص ۸۹). البته، در این داوری شخص آرزو هم مؤثر بوده است، آنجا که پس از اشاره کردن به فراهم آوردن بیاضی از اشعار شاعران قدیم و هم‌عصرش می‌گوید:

به خاطر رسید که پاره‌ای از حالات این عزیزان اگر مرقوم شود، دور نباشد. لهذا بعضی از تذکره‌ها مثل تذکرهٔ تقی اوحدی و تذکرهٔ نصرآبادی و کلمات الشعرا و تحفة سامی و غیرها نیز دیده، هرچه از آن‌ها خوش آمد، به نوشتن آن پرداختم و به مجمع‌النفایس موسوم ساختم و چون غرض اصلی نوشتن اشعار پسند خود است و نوشتن حالات تبعی، لهذا در تحقیق آن چندان نکوشیده و در تلاش آن چندان ندویده (آرزو ۱۱۷۸، ص ۱).

اگرچه طبق قول قدما، اقرار عاقل درخصوص خویش جایز و پذیرفته است و ما نیز قصد ابتدائی را در نوع‌شناسی ملاک می‌دانیم، اما همیشه منطق حکم می‌کند که گونه‌شناسی با هیچ چیز جز خود حقیقت اثر پیوند وثیق ندارد و نهایتاً، آنچه ملاک داوری است ویژگی‌های برجسته اثر است. برای مثال، ممکن است که قول برخی شاعران و نویسندگانی که صراحتاً عنوان کرده‌اند که اثرشان در فلان گونه خاص است، با داوری نوع‌شناس مخدوش دانسته شود و درنهایت، بگویند که «کارنامه ابن یمین به گمان نگارنده سطور اصلاً کارنامه نیست، زیرا خالی از وجه هجو است» (شفیعیون ۱۳۹۴، ص ۹۳).

براین اساس، از نظر ما باید دلایل بیشتری برای بیاض دانستن مجمع‌النفایس و یا رد آن یافت. این دلایل و قراین را بسیار خوب از خود مجمع‌النفایس می‌توان استخراج کرد؛ اثری که به سبب ماهیت احوالی‌اش، آینه تمام‌نمایی از اخلاقیات و باورهای اوست و این را می‌توان هم از لابلای تراجم و اقوال دیگران و هم از اظهارنظرهای صریح او در این ابواب فهمید. از میان تمام خصائل اخلاقی او باید به انصاف و بالاتر از آن، یعنی تواضعش، اشاره کرد؛ ویژگی‌ای که برای ناقد، آن‌هم در چنین پایگاهی بسیار مغتنم و نادر به حساب می‌آید و این صفت خاکساری هم ذاتی و هم اکتسابی او بوده است. او با آنکه بنابه برخوردهای تحقیرآمیز حزین با خود و دیگر ادبای شبه قاره و مردم آن سرزمین، با نقدهای رسواکننده و گزنده به جنگ با او رفته، به گونه‌ای که حزین را «گدای متکبر منتظرالولایه» لقب داده است، ولی در مواردی از اشکالات پیشین خود بر شعر حزین بازگشته و مثلاً در ذیل توضیح «خارخار» در بیت شاپور تهرانی گفته است:

که خارخار به معنی دغدغه و خواهش امر مرغوب در محاورات، مستعمل است و از خارخار رشک که گذشت چنین معلوم می‌شود که به معنی مطلقاً دغدغه خاطر و خلش طبیعت نیز آمده. در این صورت این مصرع ملاً محمدعلی حزین - خارخار غم ایام چه خواهد بودن - درست باشد. پس اعتراضی که در «تنبیه الغافلین» نوشته‌ام، آن را جواب به هم رسید (آرزو ۱۱۷۸، ص ۲۳۶).

او از خودبینی به دفعات بیزاری جسته و به تفصیل یا به اشاره به هرکه بدان مبتلا بوده، طعنه‌ای زده و در عوض آن‌ها را که خلق خوش و سلوک سازگار داشته‌اند، ستایش کرده است، چنان‌که در ضمن ستایش سرخوش، گفته است «هرحال خدایش بیامرزاد. انصافی که در مزاج آن عزیز بزرگ دیده شده، کم به نظر آمده، در طبع، میرزا بیدل خود عشر عشر آن نبود» (همان، ۲۱۰ پ). البته، اخلاق‌مداری مانع نقدهای

علمی او نمی‌شده و از همین‌روست که ارادت او به سرخوش موجب نشده است تا بسیاری از نظرات ادبی و دخل‌های او در شعر دیگران را نقد و رد نکند و نگوید که این مطلع سرخوش «به مطلع شیدا نمی‌رسد، بلکه فی‌مابین هیچ نسبت نیست، زیرا که در زمین مذکور چنین مطلع گفتن مقدور شیدا بود و بس و در مطلع سرخوش مصرع اول وجه علیت مصرع ثانی نمی‌تواند شد. فتأمل» (همان، ص ۲۴۶).

آرزو هم مانند فخرالزمانی و اوحدی و دیگر تذکره‌نویسان و ادیبان اصیل آن روزگار، غرور و بی‌ادبی را برای شاعر و هنرمند بدشگون می‌دانسته و بر همین اساس معتقد است:

که آدمی را این همه برخوردچیدگی و غرور و سوء ادب نامبارک محض است، لهذا صلابی مذکور را در عین ترفع و بزرگی چشم‌زخم عظیمی رسید، بلکه به شامت او جمعی دیگر از بزرگان ایران در زیربنای شگرف مانده، همگی یک‌بار هلاک شدند و کان ذلک فی سنه ۱۰۱۸ (همان، ص ۲۶۰).

بزرگداشت شخصیت‌های برجسته و جریان‌ساز ادبی در سرتاسر کتاب او هویدا است، هرچند هم که منتقد سخنان آن‌ها باشد و این نکته را به‌خوبی در نقدهای موازنه‌ای او می‌توان دید. به‌عنوان نمونه، وقتی که به شرح حال درویش دهکی قزوینی می‌رسد، بابت هجو جامی سخت بر او می‌تازد و شهر آشوب‌وار می‌گوید:

که هجو جناب مولوی جامی از این جنس مردم کم‌بغل بی‌بضاعت، محض از راه حسد بود. مع‌هذا جولاهگی و قزوینی بودن دو دلیل واضح حمق اوست، چنان‌که گفته‌اند «الحانک اذا صلی رکعتین ینتظر الوحی» و بی‌وقوفی ارباب قزوین از کتاب لطایف الظرایف و غیره واضح است، بلکه در تمام عراق قزوینی به حماقت مثل است و یکی از متأخران ایران معتقد کلام درویش است و سلیقه شعرگویی او را بر سلیقه مآلا جامی ترجیح می‌دهد، لیکن این معنی از قصور فهم یا تعصب است. شعر دون مرتبه مولوی است. درویش را با او چه نسبت است (آرزو ۱۱۷۸، ص ۱۴۴).

او که در خصوص نامفهوم بودن شعر زلالی گاه خیلی تند داوری کرده و معتقد است اکثر ابیات او نامربوط است و ترکیباتش نامأنوس است و مانند واله داغستانی (۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۴۴) دیگران را بر حذر از پیروی او داشته و به ارادت‌خان واضح استناد کرده که «زد چند مطلعی به‌غلط مثنوی به نام»، باز انصاف را رعایت کرده، به قادرسخنی او اقرار می‌کند و معتقد است که «حق تحقیق آن است که زلالی در شعر طرز خاصی دارد. چون به راه راست آید، شعری می‌گوید که دیگری را به هم رسیدن مثل آن دشوار است و اگر بیراهه‌روی اختیار می‌کند، بی‌ربط محض است» (آرزو ۱۱۷۸، ص ۱۸۰). آرزو باور دارد که

«به هر حال، بعضی از ابیات استاد مذکور چنان است که گفتن مثل آن مقدور آدمی نیست» (همان جا) و بسیار استادانه در برابر طرزناشناسان به تمایز سبکی وحشی و زلالی مستدل اشاره می کند و می گوید که «وحشی از جمله شعری است که شعر ایشان سهل الممتنع است و زلالی آن چنان که بعد تتبع و تفحص کیفیت اشعار او معلوم می گردد» (همان، ص ۱۷۹). البته، اینکه او شعر زلالی را بی معنی انگاشته، به معنی پوچ گویی نیست و در واقع، ناشی از نگاه اصطلاحی او به معنی کلام است که برای سخنی که محتاج تأویل و ابهام انگیز باشد، «یعنی» قائل است و نه «معنی»^(۲) (شفیعی کدکنی ۱۳۷۵، ص ۲۷).

همین دشواری هاست که موجب شده تا به شرح یکی از هم وطنانش بر محمود و ایاز زلالی بتازد و بگوید «غریب افادات و عجیب نکات در آن درج کرده و طرفه توجیهاات بارده رکیکه طالب علمانه نموده و احتمالات عقلیه را، که مخالف محاوره است و روزمره بدان مساعدت نکند، کار فرموده» (آرزو ۱۱۷۸، ص ۱۷۹). این تذکره از لحاظ نقد علمی دقیق و منصفانه، در روزگاری که تذکره ها مجالس شده است برای خودنمایی مثنی بی فضل،^(۳) بسیار عیارمند و عالی مقام است و بیاض تلقی کردن آن نوعی خلط مبحث است و مایه تأسف. آزاد بلگرامی (۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۶۳) که خود معترف است مجمع النفایس اثری باکیفیت و «فتاوی اشعار متأخرین» است و آرزو را ستوده است که «در جمع اشعار آبدار و انتخاب دواوین اهتمام عظیم به کار برده»، با این ادعا که وی در کتابش «متوجه تحریر احوال شعرا و ضبط تاریخ ولادت و وفات و سنوات وقایع و ذکر شعرا به ترتیب زمان» نشده، این تذکره تحقیقی - انتقادی را تنها حاوی اشعار و نوعی بیاض دانسته است. قرن ها بعد گلچین معانی، که چندان به ادیبان و شاعران شبهه قاره واقعی نمی نهاده، به گمان ما تحت تأثیر نظر آزاد و سخن متواضعانه مؤلف آن را بیاض دانسته است، خصوصاً آنکه این تذکره را در دست نداشته و از طریق آزاد بلگرامی و حاکم لاهوری و فهرست ها به محتوای این اثر دسترس داشته است (گلچین معانی ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۵۸).

شاید اگر خود آن را از نظر می گذراند، هم از گستره دانش و ژرفای نظر و بلندی اندیشه و هم از اخلاق کریمانه وی در شگفت می شد. سخاوتش در بذل کتاب ها و دیوان های نادر شاعران به دوستان شاعرش و یا کمک ها و راهنمایی های علمی اش مثل حک و اصلاح آثار همان یارانش و یا مشخصاً هبه کردن نوشته های لغوی اش به لاله تیک چند بهار، چنان به کرامت و خضوع در آمیخته است که خواننده را متأثر می سازد. گواه سخن ما توضیحات او ذیل ترجمه صاحب فرهنگ سروری است، آنجا که می گوید:

چون ذکر فرهنگ به میان آمده، از فرهنگ خود هم که مسمی است به سراج اللغه، حرفی چند می‌نویسد که در این فن کتابی جامع‌تر از برهان قاطع نیست و مستنبطش فرهنگ جهانگیری و سروری و سرمه سلیمانی است. لیکن بعد تحقیقات به ثبوت پیوست که تصحیفات و تحریفات این کتاب زیاده بر لغات صحیحیه است و کتابی که پاره‌ای تحقیق جوهر لفظ فارسی در آن باشد، غیر از فرهنگ رشیدی نیست و چون این عاجز همه را ملاحظه نموده، از عدم تنقیح هریک آگاهی یافته، لهذا کتاب مذکور را تألیف نمود و آن قریب چهل هزار بیت خواهد بود. بعد مطالعه، کیفیت تحقیق و تدقیق معلوم می‌شود. بعد از آن کتابی دیگر مشتمل بر اصطلاحات و لغات متأخرین، که در کتب قدیمه لغت نبود، تألیف کرد، مسمی به چراغ هدایت و این گویا دفتر دوم است از سراج اللغه و آن قریب به پنج هزار بیت خواهد بود. طرفه آنکه صاحب بهار عجم، که یکی از یاران فقیر است، پانزده شانزده سال پیش از این، بهار عجم تألیف نموده بود. فقیر سراج‌الدین علی کتاب سراج اللغه و چراغ هدایت خود را به او دادم که هرچه پسند آید از این هر دو کتاب داخل فرهنگ خود، که حالا می‌نویسد، بکند. هیچ‌گاه بخل و خست در این امر ننموده. شنیده‌ام که یکی از اهل کشمیر اصطلاحات قدیمه و جدید می‌نویسد. جمیع مرکبات سراج اللغه و چراغ هدایت را داخل نموده، به زیر دامن دیانت پنهان ساخته تا دیگری واقف بر آن نشود. بهر حال، هر یکی را رسم و راهی است جدا» (آرزو ۱۱۷۸، ص ۱۹۰).

کدام صاحب‌قلم دانشمند منتقدی است که این چنین، در کنار بزرگداشت آثار دیگران، متواضعانه از کنار آثار خود و بی‌اخلاقی و ناجوانمردی سبک‌مایگان روزگارش بگذرد. همین برخورد را در اشارتش به سایر آثار خود در جنب معرفی تألیفات سایرین می‌توان دید، مثل اشاره به موهبت عظمی و عطیه کبری در ضمن ترجمه و طواط و توصیف حدایق السحر او و نیز توصیف ستایش‌گونه از واله و تذکره ریاض الشعرا که خشوع بیش از حد به خرج داده و در نهایت مضبوطی و مربوطی قضاوت نموده، گفته است که «فقیر، آرزو، را بعد نوشتن این نسخه تذکره مذکور به نظر آمد و الا این همه دردسر نمی‌کشید، لیکن واقعی این است که اذواق مختلف است» (همان، ۵۰۶ پ). این در حالی است که هر داور منصفی به مجمع‌النفایس و ریاض الشعرا در عرض یکدیگر حتی نگاهی بیفکند، پی به کم‌وزنی ریاض نسبت به مجمع می‌برد، خصوصاً به یغما بردن اغلب اطلاعات احوالی و شواهد شعری تذکره عرفات العاشقین اوحدی یکی از اشکالات این تذکره است (گلچین معانی ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۵). تأسف بار اینکه برای آشکار نشدن دستبردش به بهانه اختصار، بسیاری از آگاهی‌های

احوالی عرفات را حذف کرده است و آن حجم از اطلاعات ذی‌قیمت را به توصیفاتی بدیهی و بسیار مختصری چون «نام شخصی راست» (واله داغستانی ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۷۷) و «از خوش‌سیرتان بوده» (همان، ج ۱، ص ۳۶۶) تقلیل داده است. حال باید دید این اثر بیشتر به بیاض می‌ماند^(۴) یا مجمع النفایس که شاعر شواهد آن را خود با مطالعه دقیق و هوشمندانه و بیشتر در جهت اثبات ادعاهای سبکی خود برگزیده است. دسترسی وی به دیوان‌ها و منابع و آشنایی با جامعه ادبی آن روزگار و شناخت و هم‌نشینی با ادیبان و شاعران معاصرش، او را در قامت یک صراف استاد و راوی مستند جریان‌های ادبی قرار داده است. اغلب شاعران یا شعرشان را برای حک و اصلاح و درج در تذکره می‌فرستادند و یا با او در محافل ادبی هم‌طرح بوده‌اند. در این بین برخی هم از او دلگیر می‌گشتند، ولی بسیاری هم از او قدردانی می‌کردند، چنان‌که آرزو در جواب این محبت میرحیدر تجرد فروتنانه گفته که «مدتی با فقیر صحبت شعر داشت، بسیار غیور و سپاهی بود. ساقی‌نامه‌ای خوب گفته و این هیچ‌مدان را در آن تعریف نموده، چون شوق بسیار به شعر داشت، گویا تعریف خود کرده، چه فقیر قابل این همه نیست» (آرزو ۱۱۷۸، ۱۰۲ پ).

اگر آرزو آن‌قدر که در باب دیگران منصف بود، رعایت حقوق خود را نیز می‌کرد و این چنین با خفض جناح، آن هم در پیشانی کتابش، از اثرش سخن نمی‌گفت، این گونه مورد داوری قرار نمی‌گرفت، و گرنه این که ماده‌المواد بسیاری از تذکرها، مثل تذکره‌های بزرگی چون عرفات‌العاشقین، بیاض بوده، امری بدیهی بوده است. خلاصه‌الاشعار تقی کاشی را هم اگر قرار باشد براساس حجم اطلاعات احوالی‌اش قضاوت کرد و قلم‌فرسایی‌های ادبی‌اش را نادیده انگاشت، مطلب چندانی ندارد و در قیاس با حجم شواهدش بیشتر به بیاض می‌ماند تا تذکره، چنان‌که نقی کمره‌ای از معاصران او با حذف منشوراتش و ثبت و ضبط شواهد آن موجب ناراحتی مؤلف را فراهم کرده بوده است، احتمالاً در این خصوص که تذکره او را چرا تا حد بیاض متوقف کرده است.

نکته دیگر اینکه آرزو مانند دیگر تذکره‌نویسان قصد تفصیل بی‌جهت و مصادره مطالب منابع پیشین را نداشته و همین که اطلاعات شاعران غیر معاصر خود و عهد قدیم را از منابع درجه‌یک، اغلب با استناد آورده و منتقدانه به نقل بسیاری از آن‌ها پرداخته، تعهد تذکره‌نگاری خود را به جای آورده است و اینکه آزاد مدعی شده که او به تواریخ واقعات پرداخته و تراجم را به ترتیب تاریخی

نیاورده، نوعی سخت‌گیری بیش‌ازحد است و کم نیست اشارات و حتی تحلیل‌های تاریخی او درخصوص تولد و مرگ و ممدوحان شاعر، که بعضی از آن از طریق تأمل و تحقیق او در اشعار و دیگر آثار شاعر و سایر متون هم‌سنخ حاصل آمده و یا درپیچیدن به شاعران هم‌تخلص و سعی در تشخیص هریک از آن‌ها.

حال اگر این همه مساعی استادانه درخصوص آثار و احوال شاعران و بررسی‌های کارشناسانه جریان‌های ادبی در طول تاریخ و دگردیسی‌شان جزو ویژگی‌های تذکره‌نویسی نیست، ویژگی چه اثری می‌تواند بود؟ آیا همه تراجم تذکره‌های عمومی مشهور و اصیلی چون عرفات و خلاصة‌الاشعار مشحون از اطلاعات تاریخی و تحلیل‌های ادبی است؟ آیا تذکره‌اصیل جز این است که باید حاوی اطلاعات صحیح و مستند و نقادانه و تحقیق‌شده و شواهدی منبعث از دیوان‌ها و کلیات شاعران و بیاض‌ها و سفینه‌های باهویت و شناخته‌شده، مثل سفینه صائب باشد؟ آیا بیاضی در عالم امکان هست که برخورد از این‌همه آگاهی و حکم‌های تاریخی و ادبی باشد و موشکافانه به بحث‌های دشوار و تنش‌زایی، چون سرقت و توارد پردازد و صاحب آن تا این حد سواد و حافظه شعری داشته باشد که سیر تطور مضامین و بدیع و مبتذل بودن آن‌ها را بتواند با ارائه سند نشان دهد؟

اگر تنها برخی اشکالاتی را که او به تاریخ وقایع و نیز تخلیط تخلص‌های منابعش، اعم از عرفات و تذکره نصرآبادی گرفته است، در اینجا نقل کنیم، دیگر هرگونه گمانی درخصوص بیاض یا بیاض - تذکره بودن آن از هر ذهن منصفی برطرف می‌شود و مشتاقانه به دنبال دستیابی به صورتی منقح از آن خواهد خاست که طبعاً مقدمه مبادرت ورزیدن به چنین کار خطیری جست‌وجوی صبورانه در فهرست‌های خطی و عکسی و چاپی است؛ گامی مهم و لازم برای تشخیص و سپس دستیاب کردن نسخه‌هایی که کار را برای رسیدن به یک متن منقح هموار می‌کند.

۳. نسخه‌شناسی مجمع‌النفایس

از این تذکره تا به امروز به‌طور کامل و نیز به‌صورت منتخب، نسخه‌ها و چاپ‌هایی فراهم آمده است. چاپ‌های موجود این تذکره به دو صورت منتخب و کامل به شرح زیر است:

(۱) تصحیح عابدرضا بیدار، برگزیده شرح ۱۰۹ شاعر سده دوازدهم هجری (پته ۱۹۷۷م)؛

۲) تصحیح عارف نوشاهی با عنوان بزم آرزو با تلخیص، مقابله و مقدمه دکتر عارف نوشاهی در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴؛

۳) جلد اول، به تصحیح زیب النساء علی خان (سلطان علی) در سال ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴ م، جلد دوم، به تصحیح دکتر مهنور محمد خان در سال ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶ م، و جلد سوم، به تصحیح دکتر محمد سرفراز ظفر در سال ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶ م، از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (اسلام آباد)؛

۴) تصحیح میر هاشم محدث از روی چاپ دکتر عابد رضا بیدار، شامل شرح حال ۱۰۸ شاعر معاصر خان آرزو، که از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. از این میان تنها تصحیح زیب النساء و دو همکارش شامل همه مجمع النفایس است و تصحیح عابد رضا بیدار، عارف نوشاهی و میر هاشم محدث تنها گزیده‌ای از مجمع النفایس است.

تصحیح کامل این تذکره را به پیشگامی دکتر محمد باقر می‌شناسند. در سال ۱۳۵۱ ش، مطابق با ۱۹۷۲ م، زیب النساء علی خان از حرف «الف» تا حرف «ز» (البته از حرف «ر» تنها به تصحیح تراجم ۸ شاعر از ۹۱ شاعر این حرف پرداخته است) را براساس نسخه کراچی، تحت عنوان رساله دکتری تصحیح کرده است و بعدها که قرارداد تصحیح تذکره بسته شد، همکار و سهیم مصححان جلد دوم و سوم شد و رساله خود را تحت عنوان جلد اول تذکره منتشر ساخت. شایان ذکر است که در همان سال‌هایی که زیب النساء به دفاع از رساله خود می‌پرداخت، تصحیحی دست‌نویس از این تذکره را شاگردان دکتر محمد باقر و با نظارت استاد، براساس تذکره لاهور تهیه کردند و به مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان سپردند. در سال ۱۳۸۲ ش بدون یافتن دست‌نوشته‌های دکتر باقر و بررسی دقیق و یافتن نسخ مختلف تذکره، قرارداد تصحیح تذکره از حرف «س» تا «ی» با دکتر مهنور محمد خان و دکتر محمد سرفراز ظفر بسته می‌شود تا بر مبنای نسخه لاهور انجام گیرد. این دو نیز از حرف «ر» (چون این قسمت در تصحیح زیب النساء ناقص بود) تا حرف «س» را دو قسمت کرده و به صورت جلد دوم و سوم تصحیح و چاپ کردند. جلد دوم از حرف «ر» تا حرف «ف» را مهنور محمد خان و جلد سوم از حرف «ق» تا «ی» را محمد سرفراز ظفر تصحیح کردند (با این توضیح که از حرف «ر» تا بخش‌هایی از حرف «س» را زیب النساء علی خان تصحیح کرده است) و محمد سرفراز ظفر در مقدمه جلد سوم

تصحیح خود عبارت «به یاد روانشاد دکتر محمدباقر پیشگام در تصحیح تذکره مجمع النفایس» را قید کرده است. وی درباره روش تصحیح و نسخه‌های خطی اثر توضیحی نداده است و تنها اشاره کرده که دوستان محقق و دانشمندش در جلد اول و دوم، در مورد روش تصحیح و نسخه‌های خطی مورد استفاده صحبت کرده‌اند، لهذا از تکرار آن پرهیز می‌کند (سرفراز مخلص ۱۳۸۵، مقدمه)، زیب‌النساء و محمد خان در مقدمه جلد اول و دوم تصحیح تذکره، درباره نسخ استفاده‌شده در تصحیح از چهار نسخه، که عبارت‌اند از نسخه موزه ملی کراچی، دو نسخه از کتابخانه لاهور و نسخه کتابخانه پتنه، نام برده‌اند.

از این اثر دو دسته نسخه در کتابخانه‌های جهان موجود است: دسته اول، نسخه‌های منتخب‌اند که تحت عناوینی همچون جامع الفوائد، منتخب النفایس در فهرست‌ها معرفی شده‌اند؛ دسته دوم، نسخه‌های غیرگزینشی‌اند که بعضی مانند نسخه رامپور، کراچی، بادلیان و پتنه کامل است و شامل مقدمه، فهرست شعرا، خاتمه و ترقیمه است و بعضی مثل نسخه‌های دهلی و لاهور در قسمت‌های مختلف افتادگی و نقصان دارند. بنابراین، با سه دسته نسخه روبه‌رو خواهیم بود: نسخ کامل، نسخ ناقص، نسخ منتخب.

نسخ کامل

نسخه بادلیان

نسخه بادلیان، به شماره ۴/۴۶۴۳، به صورت میکروفیلم، در دانشگاه تهران موجود است که از نسخه کتابخانه بادلیان، به شماره ۳۹۹ الیوت ۷۱۱۸، تهیه شده است. در ۱۳۳ ورق ۲۵ سطری، به خط نستعلیق شکسته، نوشته شده است. نسخه کامل و قدیمی است. آغاز، فهرست شعرا و ترقیمه دارد. تقریباً شامل شرح حال ۱۷۴۵ شاعر متقدم و متأخر است. نسبتاً به نسخه کراچی و رامپور شبیه است. تاریخ نسخه در ترقیمه نسخه چنین آمده: «بیست و پنجم رجب‌المرجب سنه ۱۱۶۵ هجری مطابق سنه جلوس احمد شاه بن فردوس، آرامگاه محمد شاه پادشاه غازی». در حاشیه نسخه معنی برخی کلمات و اصطلاحات قید شده است که نشان می‌دهد کاتب نسخه یا شخصی که نسخه را بازخوانی کرده، ادیب و سخن‌شناس بوده است. نسخه از نظر صحت و دقت معتبر است و شباهت زیادی به نسخه رامپور کامل دارد. بیشتر قسمت‌های نسخه پاک شده است و مخدوش و تا حدی ناخواناست.

نسخه رامپور

این نسخه با شماره ۲۴۰۵ متعلق به کتابخانه رضا رامپور است. دارای ۵۲۷ برگ ۱۷ سطری است. به خط نستعلیق خوانا و شامل مقدمه، فهرست شعرا، خاتمه و ترقیمه است. جدول و عنوان اشعار به شنگرف است. از این نسخه در تصحیح پیشین مجمع النفایس استفاده نکرده‌اند و حتی از آن نام نبرده‌اند. در ۲۸ باب، مشتمل بر یک مقدمه و فهرست اسامی شعرا که به ترتیب حروف تہجی تدوین شده است و تقریباً شامل شرح حال ۱۷۷۵ شاعر متقدم و متأخر است. در ابتدای نسخه عبارت قلمی بودن نسخه قید شده است. نام کاتب و تاریخ کتابت نسخه در ترقیمه چنین آمده است: «به عون الله تعالی کتاب تذکرۃ الشعرا حسب الفرمایش بندگان عالی مهاراجه، عمدة الملک بہادر ادام الله اقبالہم و حشمتہم، بہ تاریخ شانزدہم شہر رجب المرجب سنہ یک ہزار و یک صد و ہفتاد و ہشت ہجری بہ خط اضعف العباد جسپت رای کھتری عرف چریمنج در کومہیر سمت اختتام پذیرفت». اسامی و ترتیب شعرای نسخه با دیگر نسخ مجمع النفایس کمی متفاوت است. شرح حال تعدادی از شعرا در این نسخه آمده که در دیگر نسخ موجود نامی از آن‌ها دیده نشد (نظیر «ابتری»، «خان الفتی»، «ابوطالب تبریزی» و غیره). ظاهراً در حاشیہ نسخه مقابله‌هایی صورت گرفته است. به ندرت کلمه‌ای از نسخه مخدوش شده که با مقابله با نسخ دیگر می‌توان آن را حدس زد. نسخه رامپور نسبت به دیگر نسخ مجمع النفایس از نظر ارجاع به متون مفصل‌تر است. یکی از ارجاعات این نسخه که در دیگر نسخ مجمع النفایس مشاهده نشد، منتخب التواریخ بدآونی است؛ یعنی هر آنچه در این نسخه از متن منتخب التواریخ نوشته شده است، در دیگر نسخ موجود نیست.

نسخه پتہ

این نسخه در کتابخانه خدا بخش پتہ به شماره ۳۹۴۳ شامل دو جلد است در ۵۷۳ برگ ۲۱ سطری. فهرست اسامی شعرای هر جلد را به صورت مجزا و در ابتدای هر جلد آورده است. مقدمه دارد، ولی فهرست شاعران تذکرہ بدان صورت که آرزو بعد از مقدمه آورده است نیامده و کاتب به این مسئلہ در انتہای مقدمہ اشارہ کردہ است: «فہرست اسامی شعرائی کہ احوال و اشعار آن‌ها داخل این تذکرہ است، در تذکرہ و نسخطی [۹] جناب سراج الدین خان آرزو، کہ این نسخہ از آن نقل کردہ شد،

مرفوم بود، لیکن در این نسخه به سبب اختصار کتابت نوشته نشد» (نسخه پتیه، شماره ۳۹۴۳). نسخه با «بایزید بسطامی» آغاز شده و با «محمد اشرف یکتا» پایان یافته است. خاتمه و ترقیمه دارد و تاریخ کتابت نسخه در ترقیمه چنین ذکر شده است: نهم صفر ۱۱۷۹ هجری. حواشی موجود در صفحات نسخه نشان از آن دارد که ظاهراً نسخه بازخوانی شده یا با دیگر نسخ مجمع‌النفایس مقابله شده است. متأسفانه بخش انتهایی برخی صفحات نسخه مخدوش است.

نسخه کراچی

کتابت نسخه موزه کراچی براساس ترقیمه آن، به تاریخ هفتم شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۱۸۵ هجری از نسخه اصل دستخطی سراج‌الدین علی‌خان آرزو نوشته شده است. این نسخه، با شماره ۱۴۲۶۹، به صورت عکسی، در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است و نسخه اصل آن در پاکستان، کتب‌خانه استیت کلیاتی، شماره ۱۲، در ۲ مجلد است. ۴۴۱ برگ ۲۱ سطری دارد. به خط نستعلیق شکسته و ریز نوشته شده است. شامل شرح حال ۱۶۶۱ شاعر است. با «بایزید بسطامی» آغاز و با «اشرف یکتا» پایان یافته است. نسخه مقدمه و ترقیمه دارد، ولی فهرست شعرا ندارد.

نسخه قم

این نسخه به شماره ۱۰۹۵-۱۰۹۸، در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز احیای آثار اسلامی موجود است. مقدمه دارد. نسخه با «بایزید بسطامی» آغاز شده و با «یکتای کشمیری» پایان یافته است. کاتب نسخه سلطان محمد بن آقا عبدالکریم تاجر است که در تاریخ ۱۵ شوال ۱۱۸۶ نسخه را کتابت کرده است. نسخه توسط محمد کلاهی به کتابخانه اهدا شده و در ۴ مجلد صحافی و تجلید شده است. نسخه دارای ۵۷۶ ورق ۱۹ سطری است. مشخصات این نسخه با نسخه کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد دکن، به شماره ۴۱، هم از لحاظ تاریخ کتابت و هم نام کاتب یکسان است.

نسخ ناقص

نسخه دهلی

این نسخه، با شماره ۴۵۰۵، به صورت میکروفیلم، در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است^(۵) که اصل آن نسخه شماره ۷۳۹ از کتابخانه ایندیآفیس است. ۲۳۶ ورق ۱۵ سطری به خط نستعلیق شکسته دارد. براساس یادداشت‌های حاشیه نسخه، ظاهراً دو جلد بوده که جلد اول ۵۴۹ ورق و جلد دوم ۵۶۱ ورق داشته است و تنها جلد اول و آن هم به صورت ناقص در دست است. نسخه دهلی مقدمه ندارد، ولی فهرست اسامی شعرا را دارد، اما ترتیب شعرای فهرست با متن هماهنگ نیست. شامل معرفی ۵۷۸ شاعر است که با «شیخ ابویزید بسطامی» آغاز شده و با «امیر روزبهان صبری» پایان یافته است. البته، تنها یک خط از تراجم «روزبهان صبری» در نسخه موجود است و بقیه نسخه افتاده است. تراجم نسخه به نسخه کراچی و لاهور نسبتاً شباهت دارد، ولی ترتیب معرفی شعرای نسخه متفاوت است. برای مثال، شیخ ابوالقاسم کازرونی در دیگر نسخ در بخش «الف» و در نسخه دهلی در بخش «قاف» آمده است. نیز رکن‌الدین دعوی تخلص در «باب الرا» آمده است. یا شیخ ابوالواجد فارغی در نسخه دهلی در بخش «ف» و در نسخه دهلی در بخش «الف» گنجانده شده است. یکی دو شاعر نسبت به نسخ دیگر اضافه دارد، مثل ادایی اصفهانی. شواهد شعری بعضی از شعرا نسبت به دیگر نسخ بیشتر است. در این میان شواهد شعری میرزا اسماعیل ایما و سالک کاشانی بیشترین تعداد را دارد. ظاهراً تراجم بعضی از شاعران در اصل نسخه نبوده است و با توجه به تفاوت خط ظاهراً توسط کاتبی دیگر در حاشیه اضافه شده است، همچون ترجمه بال مکنند، رمزی شبستری، رفیعی یزدی، رفعتی تبریزی. شواهد شعری برخی شاعران نیز در اصل نسخه نبوده و در حاشیه اضافه یا تکمیل شده است، مثل میرآزاد. شرح حال برخی از شعرا کامل‌تر از دیگر نسخه‌ها آمده است، مثل شریف تبریزی. بعضی از صفحات نسخه تکراری و برخی جابه‌جا شده است. شرح حال برخی شعرا در هم آمیخته، مثلاً، شرح حال راسخ و رایج در هم خلط شده است. نسخه با ترجمه روزبهان صبری آن هم به طور ناقص پایان یافته است؛ یعنی از حرف «صاد» به بعد در دست نیست. در نتیجه، خاتمه و ترقیمه نسخه نیز در دسترس نیست. علاوه بر این، نسخه موجود فاقد ترجمه

شاعران در بخش «جیم»، «حاء»، «خاء» و «دال» است. نیمه دوم ترجمه شاعران در بخش «ثاء» و نیمه اول تراجم در قسمت «ذال» نیز موجود نیست. درکل، ۵۷۸ شاعر در تراجم نسخه موجود است، البته، با احتساب شاعرانی مثل روزبهان صبری که احوال کامل وی در نسخه موجود نیست. نسخه مخدوش و بدخط است و در بعضی قسمت‌ها، به‌خصوص قسمت بالایی صفحات نسخه، کاملاً ناخوانا، ولی از نظر دقت و صحت نسخه باارزشی است، برای همین شواهد شعری مضاف بر نسخ دیگر به متن تصحیح اضافه شد. خوانش نسخه، خصوصاً با خدشه‌هایی که یافته، اغلب مشکل است، حتی برخی عبارات و شواهد شعری به‌کلی پاک شده است. ظاهراً کاتب نسخه را با نسخه یا نسخ دیگر مقابله کرده و در حاشیه آورده که در بیشتر موارد با نسخه کراچی و بادلیان مطابقت دارد.

نسخه لاهور

این نسخه، با شماره ۴۵۹۴، به‌صورت میکروفیلم در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. نسخه اصل آن تحت عنوان نسخه ناقص لاهور در کتابخانه پنجاب است. قسمت مربوط به مقدمه و تراجم شاعران حرف «الف» افتاده و نسخه از میانه شواهد شعری خان آرزو آغاز شده است. علاوه‌براین، شاعران حرف «ف» و «ق» ناقص است؛ یعنی در این قسمت هم نسخه افتادگی دارد. ۲۱ شاعر از حرف «ف» و ۳۶ شاعر از حرف «ق» نسبت به دیگر نسخ کامل مجمع‌النفایس افتاده است و شرح حال «ملا فریدون» به‌صورت ناقص و بدون شواهد شعری است. قسمت «قاف» نیز با شواهد شعری ناقص از «حاجی محمد جان قدسی» آغاز شده است. در بخش شاعران حرف «میم» ترجمه و شواهد شعری ۱۸ شاعر نسبت به نسخ کامل مجمع‌النفایس کاستی دارد. نیز ترتیب شعرای این باب از نسخه با دیگر نسخ متفاوت است. شایان ذکر است که در این قسمت از نسخه (تراجم شاعران «حرف میم») افتادگی مشاهده نشد و ظاهراً توسط کاتب این ۱۸ شاعر از قلم افتاده است. نسخه با «محمد اشرف یکتا» پایان یافته است و شامل خاتمه است، اما در این بخش نیز باز صفحاتی افتاده است؛ یعنی خاتمه نیز به‌صورت ناقص موجود است. نسخه ترقیمه ندارد و در همان بخش خاتمه با مصرع اول از «قاضی سلام‌الله» پایان می‌یابد. در نتیجه، کاتب نسخه و تاریخ کتابت، که معمولاً در پایان نسخه می‌آید، بر ما معلوم نیست. در تصحیح و مقابله این نسخه با دیگر نسخ مجمع‌النفایس شباهت

این نسخه به نسخه کراچی قابل توجه است، به صورتی که اکثر عبارات این دو نسخه شبیه هستند. در بعضی قسمت‌ها جابه‌جایی اوراق در نسخه دیده می‌شود. برای مثال، شواهد شعری شاعر دیگری در میان اوراق شواهد شعری «آقاشاپور طهرانی» آمده است. به‌طور کلی، در نسخه لاهور سهو و اشتباه و اغلاط فاحش زیاد دیده می‌شود. بسیاری از ابیات تنها با یک مصرع قید شده است؛ یعنی در موارد متعدد مصرع دوم ابیات کتابت نشده است. نیز بخش‌هایی از تراجم، که کلمات یا عباراتی شبیه به یکدیگر در ترجمه داشته، بر اثر خطای دید کاتب، عبارت بین دو کلمه همسان از قلم افتاده است. بعضی از شرح‌ها با هم آمیخته؛ یعنی ترجمه شاعری آورده شده و شواهد شعری شاعری دیگر در ادامه ترجمه کتابت شده است. به سبب سهو کاتب، نام بعضی شعرا به غلط ضبط شده است. در بعضی قسمت‌ها تراجم شعری بعضی شعرا با هم خلط شده است و یا نام و شواهد شعری شاعری تکرار شده است. نسخه در بخش‌های اندک حاشیه‌نویسی دارد که به نظر می‌رسد بازخوانی شده یا با نسخه‌ای دیگر مقابله شده و در حاشیه کلمات یا عبارات افتاده قید شده است. تراجم ۱۴۸۷ شاعر در این نسخه موجود است.

نسخ منتخب

نسخه رامپور (گزیده)

این نسخه، به شماره ۲۴۰۴، متعلق به کتابخانه رضا رامپور است. گزیده مجمع النفایس است. مقدمه و ترقیمه ندارد. با فهرست شعرا آغاز شده است و شامل شرح حال ۶۷ شاعر است که از روی نسخه اصل به صورت خلاصه گردآوری شده و در بعضی قسمت‌ها با دیگر نسخ همخوانی ندارد. در مواردی تلخیص محدود به حذف یک یا چند جمله شده و از متن اصلی خیلی فاصله نگرفته است. در شواهد شعری تلخیص اندکی صورت گرفته و گاهی ابیاتی علاوه بر متن اصلی آورده شده است. در مواردی ضبط اشعار نسبت به نسخه‌های کراچی و لاهور صحیح‌تر است. تراجم و شواهد شعری این نسخه نسبت به نسخ دیگر اندکی متفاوت است. نسخه با «شیخ سهیلی» آغاز شده و با «جمالی دهلوی» پایان یافته است. از خصایص این نسخه قلمی بودن آن است.

جامع الفوائد (منتخب یادداشت‌های انتقادی یا سایر نظرها و تفسیرهای آرزو در خصوص اشعار مجمع النفايس): ۱۱۹۵ یا ۱۱۹۶ هجری

این نسخه با شماره ۴۵۰۵ و به صورت میکروفیلم در دانشگاه تهران موجود است که با نسخه دهلی و نسخه منتخب مجمع النفايس در یک فایل همراه است. نسخه اصل آن در کتابخانه ایندیا آفیس، به شماره ۵۰۸۱، موجود و در واقع، تلخیصی از شرح حال و نمونه اشعار ۱۴۳ شاعر از مجمع النفايس است که با مقدمه کوتاهی از تلخیص‌کننده آغاز شده است. فهرست شعرا ندارد و از «آرزو» آغاز شده و با «میرحبی کاشی» پایان یافته است. شامل ۳۶ ورق ۱۷ سطر به خط نستعلیق شکسته است. آغاز و ترقیمه نسخه کامل است، ولی اکثر قسمت‌های نسخه مخدوش و ناخواناست. از خصایص نسخه آوردن مترادف کلمات، شرح ابیات و نیز مقابله اشعار با دیگر سفاین و تذکرهاست. در تراجم شعرا به ندرت اختصار دارد و بیشتر در شواهد شعری اش تلخیص صورت گرفته است. در اکثر موارد شواهد شعری را کامل حذف کرده است (نظیر شواهد شعری آرزو که به کل حذف شده است). تاریخ تألیفش ناخواناست و به نظر سال ۱۱۹۹ ق ضبط شده است.

منتخب النفايس

این نسخه تحت عنوان «انتخاب تذکرة الشعرا مسمی به منتخب النفايس من تصنیف سراج‌الدین علی‌خان تخلص آرزو» با شماره ۴۵۰۵ در دانشگاه تهران موجود است و همان‌طور که اشاره شد، با نسخه دهلی و جامع الفوائد در یک فایل است. نسخه اصل، آن به شماره ۴۰۱۵، در کتابخانه ایندیا آفیس نگهداری می‌شود. در برگ ابتدایی نسخه، ذیل نام منتخب النفايس، آمده است: «حسب‌الحکم حضرت شاه عالم پادشاه در سنه جلوس والا، مطابق سنه ۱۱۷۷ هجری به زمانه صوبداری قاسم علی‌خان عالی‌جاه بهادر». نسخه حاوی خلاصه، مقدمه و ترقیمه است، ولی فهرست شعرا ندارد. نسخه شامل شرح حال و نمونه اشعار ۹۶ شاعر از شعرای مجمع النفايس است که با «محمد احسن ایجاد» آغاز و با «محمد اشرف یکتا» پایان یافته است. شرح حال و نمونه اشعار اغلب شاعرانی که گزینش کرده، به طور کامل و بدون تلخیص آمده است و حتی برخی شواهد شعری

شاعرانی چون «مشتاق» و «محمدعلی رابج» نسبت به نسخه رامپور کامل و کراچی بیشتر است. نسخه خوش خط و خواناست، ولی غلط خوانی و ضبط نادرست در آن به وفور دیده شد. نسخه اولیه و دست نوشته های شخصی خان آرزو بر ما مشخص نیست. در ترقیمه برخی نسخه ها اشاره شده که نسخه قلمی است، مثل نسخه رامپور و در ترقیمه برخی همچون نسخه کراچی قید شده که از روی نسخه اصل، که به خط خان آرزو بوده، نوشته شده است. علاوه بر این، نسخه های دیگری از این اثر موجود است که در دسترس نیست و از مشخصات آن ها تنها براساس آنچه در فهرست ها آمده است یا مصححان هندی معرفی کرده اند، اطلاع داریم. این نسخه ها عبارت اند از:

- تهران، مرکز فرهنگی خراسان، نسخه شماره ۱۰۱، به صورت عکسی در تهران، مرکز فرهنگی خراسان موجود است. کاتب نسخه نامشخص است. تاریخ کتابت: صفر ۱۱۷۹ق، ۵۵۲ برگ.

- نسخه لاهور در کتابخانه لاهور به شماره ۴۵۳۹. دارای ۴۳۴ ورق است. فهرست اسامی شعرا دارد، ولی ناقص است. تاریخ کتابت آن چنین است: «هفدهم شهر صفرالمظفر ۱۱۹۱ هجری مطابق ۱۸ جلوس شاه عالم، پادشاه غازی، به مقام لکهنو در صوبه اوده [...] به موجب حکم نواب شاه میرخان [...] این نحیف هیچ مدان از کمترین ملازمان آن جناب محمدامین لاهوری به عون الهی به اتمام رسانید». (آرزو ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۴۰) نسخه غلط املائی و نقطه گذاری غلط فراوان دارد.

نسخه پتنه

در کتابخانه خدابخش پتنه، به شماره ۲۴۴۵، دارای ۴۲۲ ورق است. فهرست اسامی شعرا دارد، ولی ناقص است. غلط املائی زیاد به چشم می خورد. این نسخه چون از نسخه لاهور نقل شده است و کاتب هر دویک نفر بوده، تمام اشتباهات نسخه لاهور در این نسخه تکرار شده است. تاریخ کتابت نسخه در ترقیمه چنین ذکر شده است: «هشتم ماه ذوالحجه ۱۱۹۹ هجری و ۲۳ جلوس شاه عالم پادشاه غازی به موجب فرمایش نواب شاه میرخان... این نحیف کمترین ملازم محمد امین در بلدة لکهنو... به اتمام رسانید» (آرزو ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۰).

۴. نتیجه گیری

تذکره مجمع النفایس، اثر سراج‌الدین علی‌خان اکبرآبادی، متخلص به آرزو، اثری است که علاوه بر معرفی و بررسی تراجم و انتخاب اشعار برتر، سرشار از اطلاعات تاریخی، در مباحث نقد ادبی و سبک‌شناسی، است. دسترسی خان آرزو به دیوان‌ها و منابع دست‌اول و آشنایی وی با جامعه ادبی روزگار خود، نیز شناخت ادیبان و شاعران معاصر و هم‌نشینی با آنان، جایگاه او را در قامت یک استاد صراف و راوی مستند جریان‌های ادبی مشخص می‌سازد. براساس متن نسخه‌ها، برخی شاعران شعرشان را برای اصلاح و درج در تذکره، برای وی می‌فرستادند و برخی با او در محافل ادبی هم‌طرح بوده‌اند. بنابراین، این تذکره و مؤلف آن از لحاظ نقد ادبی و علمی، مقام والایی دارد و بیاض تلقی کردن آن خطاست و ناشی از آن است که هنوز در میان تذکره‌های ادبی ناشناخته مانده است، بدان سبب که تاکنون تصحیح منقّحی از این اثر صورت نگرفته و چاپ دورازدسترس شبه‌قاره هم چندان کارآمد نیست. بنابراین، شناسایی نسخه‌های معتبر این اثر و تصحیح محققانه آن ضروری به نظر می‌رسد.

نسخه‌های مجمع النفایس

نام نسخه	محل نگهداری نسخه	شماره نسخه	سال تألیف	تعداد برگ	نوع خط	کاتب	تعداد محتوای تراجم نسخه
۱. رامپور	کتابخانه رضا رامپور	۲۴۰۵	۱۱۷۸ق	۵۲۷ برگ ۱۷ سطری	تستعلیق	جسپت رای کهنتری	۱۷۷۵ کامل
۲. پتنه	کتابخانه خدابخش پتنه	۳۹۴۳	۱۱۷۹ق	۵۷۳ برگ ۲۱ سطری	تستعلیق	حسن‌الله شاعر	۹۱۷۵۰ کامل
۳. کراچی	کتابخانه موزه کراچی	۱۴۲۶۹	۱۱۸۵ق	۴۴۱ برگ ۲۱ سطری	تستعلیق شکسته	ذکر نشده شاعر	۱۶۶۱ کامل
۴. بادلیان	کتابخانه بادلیان	۳۹۹	۱۱۶۵ق	۱۳۳ برگ ۲۵ سطری	تستعلیق شکسته	ذکر نشده شاعر	۱۷۴۵ کامل
۵. قم (نسخه کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد)	مرکز احیای آثار اسلامی	۱۰۹۸-۱۰۹۵	۱۱۸۶ق	۵۷۶ برگ ۱۹ سطری	تستعلیق	عبدالکریم تاجر	۱۷۳۵ کامل

نام نسخه	محل نگهداری نسخه	شماره نسخه	سال تألیف	تعداد برگ	نوع خط	کاتب	تعداد محتوای نسخه
۶. دهلی	دانشگاه تهران - ایندیا آفیس	۴۵۰۵ تهران - ۷۳۹	ترقیمه موجود نیست	۲۳۶ برگ ۱۵ سطر	تستعلیق شکسته	ترقیمه موجود نیست	۵۷۸ تراجم ناقص
۷. لاهور	کتابخانه پنجاب	۴۵۹۴	ترقیمه موجود نیست	۲۵۷ برگ ۲۱ سطر	تستعلیق	ترقیمه موجود نیست	۱۴۸۷ تراجم ناقص
۸. رامپور	کتابخانه رضا رامپور	۲۴۰۴	ذکر نشده است	۴۰۷ برگ ۱۱ تا ۱۵ سطر	تستعلیق	ذکر نشده	۶۷ تراجم منتخب
۹. جامع الفوائد	دانشگاه تهران، ایندیا آفیس	۴۵۰۵ تهران - ۴۰۸۱ ایندیا	۴۱۱۹۹	۳۶ ورق ۱۷ سطر	تستعلیق شکسته	تاخوانا	۱۴۳ تراجم منتخب
۱۰. منتخب لنفایس	دانشگاه تهران، ایندیا آفیس	۴۵۰۵ تهران - ۴۰۱۵ ایندیا آفیس	۱۱۷۷ ق	۲۳۹ برگ ۱۷ سطر	تستعلیق	ولسی الله نقل نویس	۹۶ تراجم منتخب

پی‌نوشت

- (۱) برای مثال می‌توان به محاکمات الشعراي محسن اکبرآبادی، از شاگردان آرزو، اشاره کرد که در آنجا سعی کرده ضمن تحلیل و دسته‌بندی انتقادات آرزو، برخی از آن‌ها را در دفاع از حزین جواب گوید و قاری عبدالله کابلی هم مشابه چنین رساله‌ای را تألیف کرده است (شفیعیون ۱۳۸۹، ص ۷۸؛ همان ۱۳۹۷ ص ۱۴). حاکم لاهوری (۱۳۹۰، ص ۹۴) هم داد سخن و سراج الوهاج را محاکمه خوانده است.
- (۲) رحیم‌پور (۱۳۸۷) به نقد و بررسی دیدگاه‌های آرزو در حوزه ساختار معنایی می‌پردازد. وی یکی از دیدگاه‌های زبان‌شناختی آرزو، یعنی «معنی‌شناسی»، را مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که از نظر آرزو، «معنی» مفهوم روشن و آشکار شعر و دلالت همه‌فهم آن است، ولی «یعنی» دلالت‌های تأویلی و توجیهی و ضمنی شعر است. شمیسا و فرق‌دانی در مقاله «تحلیل دیدگاه‌های انتقادی خان آرزو در تذکره مجمع النفايس»، به معرفی آرزو و تذکره مجمع النفايس پرداخته و معتقدند این تذکره چنان‌که باید مورد توجه جدی محققان و منتقدان ادبی قرار نگرفته است. عمده تلاش نویسندگان بر این است که دیدگاه‌های انتقادی آرزو در زمینه‌های مختلف نقد شعر را مورد بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی قرار دهند تا از این رهگذر زمینه تحقیقات گسترده‌تر در

تحلیل و نقد آرای او را در موضوعات مختلف ادبی فراهم کنند (شمیسا، فرقدانی ۱۳۸۹ ص ۷-۲۸). اسداللهی و رحیم‌پور نیز در مقاله «سراج‌الدین علی خان آرزو از پیشگامان نقد ادبی در شبه‌قاره» باز به نظرات انتقادی آرزو، درزمینه وزن، سبک شعر، سیر تحول غزل از نظر آرزو و غیره پرداخته‌اند. (اسداللهی، رحیم‌پور ۱۳۹۷، ص ۱۳-۴۸).

(۳) برای نمونه، هم قاطعی هروی (۱۹۷۹م، ص ۱۰۹) و هم حزین لاهیجی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص ۹۱-۹۲) جریان تذکره‌نویسی در روزگار خود را به‌تندی مورد انتقاد قرار داده و نویسندگانشان را به بی‌دانشی و ناراست‌کاری در انتخاب شاعران و شواهد شعری و نقل احوال متهم کرده‌اند.

واله (۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۹) صراحتاً در مقدمه اثرش، از تکیه اصلی بر شواهد شعری سخن گفته با این تعبیر که «غرض راقم در تسوید اوراق آن است که به‌قدر مقدور اشعار بلند و افکار ارجمند فراهم آید» و معلوم نیست چرا از این تذکره تلقی بیاض نکرده‌اند.

(۴) واله داغستانی با صراحت در مقدمه اثرش از تکیه اصلی بر شواهد شعری سخن گفته است با این تعبیر که «غرض راقم در تسوید اوراق آن است که به‌قدر مقدور اشعار بلند و افکار ارجمند فراهم آید» (واله داغستانی ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۶۹) و معلوم نیست چرا از این تذکره، تلقی بیاض نکرده‌اند.

(۵) نسخه دانشگاه تهران، به شماره ۴۵۰۵، شامل میکروفیلم سه نسخه است که عبارت است از: ۱. جامع الفوائد (منتخب: نسخه خطی ایندیا آفیس به شماره ۴۰۸۱)، ۲۶ برگ؛ ۲. منتخب مجمع النفایس: نسخه خطی اته، شماره ۶۸۱ مورخ ۱۲۴۳ و ایندیا آفیس شماره ۴۰۱۵، ۲۳۹ برگ؛ ۳. ایندیا آفیس شماره ۷۳۹ (ناقص) یا نسخه

دهلی، ۲۳۶ برگ

منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی خان (۱۱۶۵ق، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۴/۴۶۴۳، کتابخانه دانشگاه تهران،.
- _____ (۱۱۷۷ق، نسخه خطی)، منتخب النفایس، ش ۴۰۱۵ کتابخانه دانشگاه تهران.
- _____ (۱۱۷۸ق، نسخه خطی): مجمع النفایس، ش ۲۴۰۵ کتابخانه رضا رامپور.
- _____ (۱۱۷۹ق، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۳۹۴۳ کتابخانه خدابخش پتنه.
- _____ (۱۱۸۵ق، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۱۴۲۶۹ کتابخانه موزه کراچی.
- _____ (۱۱۸۶ق، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۱۰۹۵-۱۰۹۸ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز احیای آثار اسلامی.

- _____ (۱۱۹۵-۱۱۹۶ ق، نسخه خطی)، جامع الفوائد، ش ۴۵۰۵ کتابخانه دانشگاه تهران.
- _____ (بی تا، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۲۴۰۴ کتابخانه رامپور.
- _____ (بی تا، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۴۵۹۴ کتابخانه دانشگاه تهران.
- _____ (بی تا، نسخه خطی)، مجمع النفایس، ش ۴۵۰۵ کتابخانه دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۳)، مجمع النفایس، (ج ۱)، به کوشش زیب النساء علی خان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- _____ (۱۳۸۵)، مجمع النفایس، ج ۲، به کوشش مهنور محمدخان، با همکاری زیب النساء علی خان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان؛ ج ۳، به کوشش محمد سرافراز ظفر، با همکاری زیب النساء علی خان؛ (بخش معاصران)، به کوشش میر هاشم محدث، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ آزاد بلگرامی، میر غلام علی (۱۳۹۳)، خزانه عامره، به کوشش هومن یوسف دهی، تهران، مجلس.
- _____ اسداللهی، خدابخش و مهدی رحیم پور (۱۳۹۷)، «سراج الدین علی خان آرزو از پیشگامان نقد ادبی در شبه قاره»، شبه قاره (ویژه نامه فرهنگستان)، ش ۸، ص ۴۸-۱۳.
- _____ بیدار، عابد رضا (۱۹۷۷م)، «خدابخش لائبریری جرنل» ش ۳، پتته. دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره (۱۳۸۴): تهران، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- _____ حاکم لاهوری، عبدالحکیم (۱۳۹۰)، تذکره مردم دیده، به کوشش علیرضا قزوه، تهران، مجلس.
- _____ درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ج ۲۸، (مجادله - مراتع)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- _____ رحیم پور، مهدی (۱۳۸۶)، «عطیه کبری و موهبت عظمی»، آینه میراث، ش ۳۹، ص ۳۳۴-۳۵۰.
- _____ (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی: سیری در احوال و آثار سراج الدین علی خان آرزو اکبرآبادی»، آینه میراث، ش ۴، ص ۲۸۹-۳۱۸.
- _____ (۱۳۸۷)، «بازبینی یک سنت (نقد و بررسی دیدگاه های آرزو در حوزه ساختار معنایی)» آینه میراث، سال ششم، ش ۲، (پیاپی ۴۱)، ص ۲۳-۴۶.
- _____ (۱۳۹۴)، «مهم ترین دیدگاه های سراج الدین علی خان آرزو در زمینه نقد ادبی»، فلسفه و کلام اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، ش ۲، ص ۲۸-۲۳.
- _____ شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، شاعری در هجوم منتقدان، تهران، آگه.

شفیع‌یون، سعید (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی مجمع‌النفایس خان آرزو»، آینه میراث، سال نهم، ش ۱، (پیاپی ۴۸)، ص ۱۷۱-۱۹۰.

_____ (۱۳۸۹)، «پژوهشی نو در احوال و آثار سراج‌الدین علیخان آرزو»، بوستان ادب، ش ۲ (پیاپی ۵۸/۱)، ص ۸۳-۱۰۶.

_____ (۱۳۹۳)، «گذری دیگرگون بر تذکرة‌های ادبی (بحثی در باب گونه‌شناسی تذکرة‌های ادبی و ارائه طرحی برای تقسیم‌بندی آنها)»، فنون ادبی، ش ۲ (پیاپی ۱۱)، ص ۸۵-۱۰۴.

_____ (۱۳۹۴)، «درنگی بر چند گونه همسنگ: کارنامه، شهرآشوب، اشعار صنفی و شهرانگیز»، نقد ادبی، ش ۳۰، ص ۸۱-۱۱۷.

شمیسا، سیروس و شهلا فرقدانی (۱۳۸۹)، «تحلیل دیدگاه‌های انتقادی خان آرزو در تذکرة مجمع‌النفایس»، مطالعات شبه‌قاره، ش ۵، ص ۷-۲۸.

قاطعی هروی (۱۹۷۹م)، مجمع الشعراء جهانگیری، به کوشش محمد سلیم اختر، کراچی، مؤسسه مطالعات آسیای میانه و غربی کراچیو.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ تذکرة‌های فارسی، چاپ دوم، تهران، سنایی.

منزوی، احمد (۱۳۷۶)، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

نوشاهی، عارف (۲۰۰۳-۲۰۰۴م)، «بزم آرزو»، کاوش، شعبه زبان و ادبیات فارسی، جی، سی یونیورسیتی لاهور، ش ۱۲-۱۳، ص ۷۹-۱۳۱.

واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۸۴)، ریاض الشعراء، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.

References

- Ārezu, Sirāj al-Dīn 'Alī Khān. (1165 AH). *Majma' al-Nafā'is*. Manuscript, University of Tehran Library, no. 4/4643.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn 'Alī Khān. (1177 AH). *Muntakhab al-Nafā'is*. Manuscript, University of Tehran Library, No. 4015.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn 'Alī Khān. (1178 AH). *Majma' al-Nafā'is*. Manuscript, Rampur Library, no. 2405.

- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (1179 AH). *Majma‘ al-Nafā’is*. Manuscript, Khuda Bakhsh Library, Patna, no. 3943.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (1185 AH). *Majma‘ al-Nafā’is*. Manuscript, Karachi Museum Library, no. 14269.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (1186 AH). *Majma‘ al-Nafā’is*. Manuscript, Qom, Islamic Sciences Research Institute, nos. 1095–1098.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (1195–1196 AH). *Jāmi‘ al-Fawā’id*. Manuscript, University of Tehran Library, no. 4505.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (n.d.). *Majma‘ al-Nafā’is*. Manuscript, University of Tehran Library, no. 4594.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (2003–2004). *Majma‘ al-Nafā’is*, ed. Zīb al-Nisā ‘Alī Khān. Islamabad: Markaz-i Tahqīqāt-i Fārsī-i Irān va Pākistān.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (2005). *Majma‘ al-Nafā’is*, vol. 2, ed. Mahrnūr Muḥammad Khān. Islamabad: Markaz-i Tahqīqāt-i Fārsī-i Irān va Pākistān.
- Ārezu, Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān. (2005). *Majma‘ al-Nafā’is*, vol. 3, ed. Muḥammad Sarfaraz Zafar. Islamabad: Markaz-i Tahqīqāt-i Fārsī-i Irān va Pākistān.
- Āzād Bilgrami, Mir Ghulām ‘Alī. (1393/2014). *Khazāna-yi ‘Āmira*. Ed. Hooman Yusufi-Dehi. Tehran: Majlis.
- Asadollāhi, Khudābakhsh & Rahimpur, Mahdi. (2018). “Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān Ārizū: One of the Pioneers of Literary Criticism in the Subcontinent.” *Nāma-yi Farhangistān*, 8: 13–48.
- Bidār, ‘Abd al-Rizā. (1977). “Khuda Bakhsh Library Journal.” Patna, vol. 3.
- Derāyati, Mustafā. (2011). *Fihristgān-i Nuskhāhā-yi Khaṭṭi-yi Irān (Fankhā)*, vol. 28. Tehran: National Library of Iran.
- Golchin-Ma‘āni, Ahmad. (1984). *Tārīkh-i Tazkirah-hā-yi Fārsī*. Tehran: Sanā’ī.

- Hākīm Lāhori, ‘Abd al-Ḥakīm (2011/1390). *Tazkirah-yi Mardume Dida*, edited by ‘Ali-Rezā Qazveh. Tehran: Majlis.
- Monzavi, Ahmad. (1997). *Fihristvāra-yi Kutub-i Fārsī*. Tehran: Markaz-i Dā’ira-yi Ma’ārif-i Buzurg-i Islāmī.
- Nushāhi, ‘Arif. (2003–2004). *Bazm-i Ārizū. Majalla-yi Kāvush*, Lahore, 12–13: 79–131.
- Qāti’ Haravī (1979). *Majma’ al-Shu’arā-yi Jahāngīri*, edited by Moḥammad Salīm Akhtar. Karachi: Institute of Central and West Asian Studies.
- Rahimpur, Mahdi. (2007). ‘*Aṭīyyat Kubrā va Muḥibat ‘Uzmā. Ā’ina-yi Mīrās*, 39: 334–350.
- Rahimpur, Mahdi. (2007). “Review of Ārizū’s Semantic Theories.” *Ā’ina-yi Mīrās*, 41: 23–46.
- Rahimpur, Mahdi. (2015). “Major Views of Sirāj al-Dīn ‘Alī Khān Ārizū on Literary Criticism.” *Ittilā’āt Hikmat va Ma’rifat*, 10(2): 23–28.
- Shafī’i-Kadkani, Moḥammad-Rezā (1996/1375). *Shā’eri dar Hujum-i Naqqādān*. Tehran: Āgah.
- Shafī’i-yun, Sa’id. (2009). “A New Research on the Life and Works of Ārzū.” *Bustān-i Adab*, 2: 83–106.
- Shafī’i-yun, Sa’id. (2011). “Critical Review of Majma’ al-Nafā’is.” *Ā’ina-yi Mīrās*, 9(1): 171–190.
- Shafī’i-yun, Sa’id. (2014). “A Typology of Persian Tazkirahs.” *Funun-i Adabi*, 11(2): 85–104.
- Shafī’i-yun, Sa’id. (2015). “Karnameh, Shahr-āshūb, and Related Genres.” *Naqd-i Adabi*, 30: 81–117.

- Shamisā, Sirus & Farqadāni, Shahlā. (2010). “Analytical Study of Ārzū’s Critical Views in Majma‘ al-Nafā’is.” *Mutāla‘āt-i Shihh Qārah*, 5: 7–28.
- Valih Daghistāni, ‘Aliqoli Khān. (2005). *Riyād al-Shu‘arā’*. Ed. Moḥsin Nājī Nasrābādī. Tehran: Asāfir. □





تصویر ۱. نسخه رامپور

[illegible][illegible]



تصویر ۲. نسخه پخته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[illegible][illegible]

تصویر ۳. نسخہ کراچی